

۱۰ سال پس از شکل گرفتن پول واحد اروپایی دشواری‌های اقتصادی آشکار شده‌اند

در انتظار توفان

در شماره گذشته روند اقتصادی در بحث مربوط به بدهی شیخ‌نشین دومی گفته شد که بدهی بخش دولتی منحصر به امارات نیست و کشورهای بیشتری در معرض این امر قرار دارند و نوبت بعدی از آن یونان است. مشکل یونان به تازگی سرباز کرده و خبرهای مربوط به تظاهرات و اعتراض‌های گوناگون در این کشور در هفته‌های گذشته مورد توجه رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفته است. همزمان اعتراض کارمندان و کارگران دیگر کشورهای اروپایی، به طور خاص فرانسه، آلمان و اسپانیا، نیز در جریان است. این موضوع موجب شده که برخی تحلیل‌گران متقاعد شوند که موج ناآرامی‌های صنعتی و اجتماعی در سراسر اروپا در حال شکل‌گیری است و کارگران و نیروی کار علیه سیاست‌های محدود کننده اقتصادی و کاهش هزینه‌های دولت به مخالفت برخوانند خاست. براین اساس، آنان معتقدند قاره سبز آستان حوادث بی‌سابقه از ناآرامی‌های سال ۱۹۶۸ است.

اعتصاب‌های یاد شده و همچنین اقدام اخیر شرکت معظم فیات در ایتالیا، که تولید خود را کلاً در ایتالیا به طور موقت متوقف و ۳۰ هزار نیروی کار را برای دو هفته بی‌کار کرد در کشورهایی رخ داده که از واحد پول اروپایی یورو استفاده می‌کنند. استفاده از پول واحد اروپایی از سال ۱۹۹۹ آغاز شد و از آن زمان بیش از یک دهه سپری شده است. در سال‌های نخست بهره‌گیری از یورو در کنار کشورهایی برخوردار از صنعت قدرت‌مند و اقتصاد مستحکم، مانند آلمان و فرانسه کشورهایی چون یونان، اسپانیا، پرتغال ... در منطقه یورو عضویت یافتند و از مزایای گسترده وحدت پولی، از جمله نرخ کم بهره انضباط مالی و صنعتی برخوردار شدند. اما هم‌زمان و البته به تدریج، نرخ‌ها و هزینه‌های داخلی این دسته از کشورها افزایش یافت و در مقایسه با اعضای پیشرفته‌تری چون آلمان، توان رقابتی بودن خود را از دست دادند و این امر سرآغاز مشکلات این گروه از اعضا شد.

کشورها به طور معمول در رویارویی با چنین وضعیتی و برای کاهش عوارض ناشی از افزایش قیمت‌ها و هزینه‌ها دست به کاهش ارزش پول ملی خود می‌زنند. در صورتی که طبق ضوابط منطقه یورو چنین اقدامی مجاز نیست و به همین لحاظ

کشورهای مزبور یعنی یونان و اسپانیا با اتخاذ تدابیری چون در پیش گرفتن سیاست‌های سخت‌گیرانه اقتصادی، ممانعت از افزایش حقوق و دستمزدها و اقداماتی نظیر، در واقع سعی بر کاهش ارزش داخلی نموده‌اند که عکس‌العمل نیروی کار را برانگیخته است. اقدامی که در نهایت به ضرر دولت‌های مبادرت‌کننده به این امر تمام خواهد شد، زیرا از طرفی موجب افزایش بیکاری و مآلاً کاهش درآمدهای مالیاتی می‌شود و در عین حال، پرداخت بیمه بیکاری را افزایش خواهد داد و بر دامنه دشواری‌ها خواهد افزود. اشاره تحلیل‌گران به احتمال بروز ناآرامی‌های اجتماعی و صنعتی سراسری در اروپا ناشی از اتخاذ تدابیر مشابه از سوی سایر کشورهای اروپایی به ویژه بقیه کشورهای موسوم به PIIGS (پرتغال، ایتالیا، ایرلند به همراه یونان و اسپانیا) است.

دولت یونان در پایان آوریل و اوایل ماه مه ۲۰۱۰ برای پرداخت تعهدات خود نیاز به ۲۵ میلیارد یورو دارد

به هر حال هم‌اکنون مشکل یونان حاد است. نخست‌وزیر آن کشور پایاندرو پتازگی اعلام کرده است، چنانچه تدابیر و سیاست‌های دولت به سرعت عملی نشود ممکن است دولت حتی قادر به پرداخت حقوق کارکنان خود نشود. البته تحلیل‌گران معتقدند مشکل فوری کسربودجه در کوتاه مدت می‌تواند برطرف شود و تهیه ۲/۵ تا ۳ میلیارد یورو از بازارهای پولی بین‌المللی البته با نرخ بهره بالا (با استانداردهای اروپایی، بیش از ۵ درصد) عملی است، اما دولت یونان در پایان آوریل و اوایل ماه مه ۲۰۱۰ برای پرداخت تعهدات خود (سرسید اوراق قرضه، تعهدات کوتاه مدت و نظایر آن) نیاز به ۲۵ میلیارد یورو دارد که تهیه آن به نظر امکان‌پذیر نمی‌رسد. البته در ۱۶ مارس قرار است اجلاس سران

اروپایی برگزار شود و اگر در آن مناسب راه حلی یافت نشود، احتمالاً برای یونان راهی جز توسل جستن به صندوق بین‌المللی پول (IMF) باقی نمی‌ماند، امری که از لحاظ نمادین شکستی بزرگ برای اتحادیه اروپایی به شمار خواهد رفت، چرا که در این صورت عضو اتحادیه‌ای که هدف آن ایجاد و تقویت وحدت سیاسی و اقتصادی میان اعضاست باید برای حل مشکل به دیگری متوسل شود.

وضعیت اسپانیا اگر چه مانند یونان حاد نیست، ولی مشکل‌تر است، زیرا حجم اقتصاد آن کشور پنج برابر یونان است و مشکل بدهی آن کشور حتی به صورت نظری با استفاده از امکانات داخلی اتحادیه (مساعدت آلمان) برطرف نخواهد بود.

اعتصاب‌ها در فرانسه و آلمان ماهیتی متفاوت از بقیه ممالک عضو دارد و به طور مستقیم معلول بحران اقتصاد جهانی نیست. در خصوص فرانسه، اعتصاب کارکنان کنترل هوایی در اعتراض به سیاست دولت در اقدام سازمان با برخی کشورهای اروپایی بوده است و در مورد کارگران پالایشگاه‌ها نیز تصمیم شرکت توتال در تعطیل کردن پالایشگاهی در شهر دونکرک موجب اعتصاب کارگران و بست نشستن آنان در پالایشگاه شد. کارگران سایر پالایشگاه‌ها نیز برای نشان دادن همبستگی خود با آنان دست از کار کشیدند. البته در این خصوص گفته شد که سارکوزی، که دو سال قبل سیاست خود را مقابله با قدرت سندیکاها اعلام کرده بود، در هراس از کمبود سوخت در کشور فرانسه ناچار شد علیه کارگران و له سندیکاها موضع‌گیری کند.

ناآرامی‌ها در آلمان با تهدید به استعفای ۴ هزار و ۵۰۰ خلبان لوفت‌هانزا علنی شد، اما این تهدیدها با توافق در آخرین لحظات عملی نشد. ولی ناراضی‌های عمومی در محافل اقتصادی و صنعتی آن کشور و حتی در بین همکاران کابینه ائتلافی وجود دارد که علاوه بر نگرانی‌ها از کاهش صادرات بیشتر از همه معلول هراس از اقدام دولت در کمک به کشورهای مشکل‌دار نظیر یونان می‌تواند باشد. منتقدان سیاست‌های دولت آلمان معتقدند که آن کشور هنگام شروع کار اتحادیه اروپایی و استفاده از واحد اروپایی با کنار گذاشتن از مارک قدرتمند خود بزرگترین فداکاری را انجام داد و اکنون اگر به کشورهای گرفتار مشکل کمک کند خود دچار مشکل خواهد شد، اما اگر از کمک چشم‌پوشد، از آنجا که کشورهای اتحادیه اروپایی دست‌کم در زمینه پولی سرنوشتی مشابه دارند باز هم آلمان عواقب مسائل آن‌ها را متحمل خواهد شد. ●



ترور محمودالمبحوح به دست اسرائیل ابغادی جهانی به خود گرفت

دولت‌ها نمی‌بینند مطبوعات افشاء می‌کنند

در دوپلین است و به برادر یکی از نخست‌وزیران سابق ایرلند تعلق دارد. این نشریه نتیجه گرفت که سوءاستفاده کنندگان از آدرس پیشتر با بررسی و تحقیق این آدرس را یافته بودند.

براساس بررسی‌های نشریه آلمانی اشپیگل، فردی به نام میسایل بودن‌هایمر که پلیس دوبی وی را از اعضای تیم ترور با گذرنامه آلمانی دانسته است در تابستان گذشته در شهر کلن با عنوان یک شهروند اسرائیلی ساکن کلن درخواست گذرنامه آلمانی کرد. او با ارائه سندهایی مدعی شده بود که والدینش تبعه آلمان بوده‌اند و در دوران نازی‌ها به دلیل بدرفتاری آلمان را ترک کرده‌اند.

این نشریه در بررسی‌های خود متوجه شد که نشانی اعلام شده متقاضی در سرزمین‌های اشغالی صحیح است و نام وی در تابلوی ساختمان وجود دارد، ولی این نام دو روز بعد از بازدید اولیه حذف شده است. اشپیگل همچنین محل سکونت متقاضی را در کلن، که در ساختمانی در محله فقیرنشین با مستاجران فراوان بود، و اقامت وی را در آن محل تأیید نکرد.

* Institute for Espionage and Special Operation

مشعل، مسئول سیاسی حماس، که در اردن صورت گرفت اشاره کرد. عوامل این ترور با پاسپورت جعلی کانادایی به اردن سفر کرده و هنگامی که خالد مشعل در خواب بود ماده‌ای سمی را در گوش او ریخته بودند. پلیس اردن دو تن از اعضای تیم این ترور را دستگیر کرد. چهار نفر دیگر نیز در سفارت رژیم اسرائیل در امان پناه گرفتند. با اصرار دولت اردن، که اقدام اسرائیل را مغایر پیمان صلح دو طرف دانسته بود، پادزهر در اختیار پزشکان مشعل قرار گرفت و او از مرگ نجات یافت.

اما خبرنگار روزنامه ایرلندی ایریش تایمز در بیان ماجرای ترور میحوح زیرکی خاصی به خرج داد. خبرنگار این روزنامه نخست دریافت که زن و مرد عامل موساد گذرنامه جعلی ایرلند را در اختیار داشتند و با پرواز ایرفرانس به آن کشور آمده‌اند. سپس با بررسی مدارک هتلی که ایمن دو در آن اقامت داشتند و پیگیری نشانی محل سکونتی که در فرم هتل قید شده بود دریافتند که آدرس آن‌ها مربوط به ساختمانی متروک و غیرمسکونی در نزدیکی سفارت‌خانه‌های اوکراین، آمریکا و اسرائیل

ترور محمودالمبحوح عضو عالی‌رتبه حماس توسط عوامل سازمان اسرائیلی موساد به دلیل نوع عملکرد و برنامه‌ریزی این سازمان ابغاد گسترده‌ای بیش از یک عمل تروریستی به خود گرفت و حتی کشورهای غربی را به واکنش، هرچند نه آن طور که باید، واداشت.

این در حالی است که شواهد کاملاً گویای انجام این ترور به دست مأموران موساد است، چندان‌که فیلم ۲۷ دقیقه‌ای پلیس دوبی در این باره سبب شده است که پلیس بین‌الملل به‌ناچار دست به اقدام بزند. در مقابل، کشورهای انگلستان، ایرلند، آلمان و استرالیا، که از هویت و گذرنامه اتباعشان در این ماجرا سوءاستفاده شده، از اقدام و عکس‌العمل متناسب خودداری کردند. اما برخلاف این کشورها برخی رسانه‌های این کشورها تلاش کردند تا زوایای مجهول ماجرا را روشن سازند.

برای مثال «ونکسور فری پرس» کانادا، در این باره نوشت که در روزهای نخست ترور تلاش می‌شد وانمود شود که چون ترور المبحوح بر ملا شده، پس این کار را سازمانی متبحر و حرفه‌ای مانند موساد انجام نداده است و دیگران به آن دست زده‌اند. همچنین تلاش شد مسئولیت کار متوجه فتح، سازمان رقیب حماس، شود. یا این‌که تبلیغ می‌شد پلیس دوبی دو تبعه اردن را در این ارتباط دستگیر کرده است. این نشریه همچنین تأکید کرد که موساد، که نام رسمی‌اش «مؤسسه جاسوسی و عملیات ویژه» است* با وجود شهرت در حرفه‌ای بودن قبلاً نیز مرتکب خطای عملیاتی شده و کار غیرحرفه‌ای انجام داده است.

ونکورفری پرس با یادآوری واقعه المیک مونیخ ۱۹۷۲ نوشت که موساد در سال ۱۹۹۲ در تلاش برای ترور علی حسن‌سلامه، که طراح عملیات مونیخ دانسته می‌شد، احمد بوشیکی، مهاجر مراکشی را که در رستورانی در شهر «لیل‌هام» نورژ کار می‌کرد و همسر باردارش را کشت. قاتلان، که یک زن و مرد بودند، فردای ترور با خودرویی که از آن در ترور استفاده کرده بودند و پلیس نورژ آن را زیرنظر داشت، برای خارج شدن از نورژ به فرودگاه رفتند که بازداشت شدند. زن مزبور در بازجویی اعتراف کرد که آن‌ها در خدمت اسرائیل بودند. از مرد قاتل نیز شماره تلفنی کشف شد که پلیس را به خانه امن تیم ترور رهنمون کرد و سه عضو دیگر تیم ترور دستگیر شدند. از اینان دستورعمل‌های موساد در زمینه ترور مزبور کشف شد و همه آن‌ها زندانی شدند.

این نشریه در مثالی دیگر به ترور نافرجام خالد